****

[اوقات رواتب 1](#_Toc483074557)

[ابتدای وقت نماز شب 1](#_Toc483074558)

[أدله مشروعیّت نماز شب از ابتدای شب 1](#_Toc483074559)

[مناقشه 2](#_Toc483074560)

[مناقشه أول 2](#_Toc483074561)

[جواب 2](#_Toc483074562)

[مناقشه دوم 3](#_Toc483074563)

[جواب 3](#_Toc483074564)

[مناقشه سوم 4](#_Toc483074565)

[جواب 4](#_Toc483074566)

[مناقشه چهارم 5](#_Toc483074567)

[جواب 5](#_Toc483074568)

[مناقشه پنجم 6](#_Toc483074569)

**موضوع**: ابتدای وقت نماز شب /اوقات رواتب /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

## اوقات رواتب

## ابتدای وقت نماز شب

بحث راجع به وقت نماز شب بود که از ابتدای شب شروع می شود یا از نیمه شب شروع می شود؛ که مشهور گفته اند وقت نماز شب از نیمه شب شروع می شود.

## أدله مشروعیّت نماز شب از ابتدای شب

ولی از از برخی روایات که عمده آن دو روایت است، استفاده می شود که وقت نماز شب مطلقاً (برای مختار و غیر مختار) از ابتدای شب است:

موثقه سماعة: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فِيمَا بَيْنَ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ- إِلَّا أَنَّ أَفْضَلَ ذَلِكَ بَعْدَ انْتِصَافِ اللَّيْلِ.[[1]](#footnote-1)

معتبره محمّد بن عیسی: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ يَا سَيِّدِي رُوِيَ عَنْ جَدِّكَ أَنَّهُ قَالَ- لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ- فَكَتَبَ فِي أَيِّ وَقْتٍ صَلَّى فَهُوَ جَائِزٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.[[2]](#footnote-2)

### مناقشه

در جواب از این استدلال که مورد قبول برخی از فقهاء، مثل آقای سیستانی، قرار گرفته است و فتوا هم داده اند که وقت نماز شب از ابتدای شب است، وجوهی ذکر شده است؛

### مناقشه أول

این قول خلاف اجماع است لذا اطلاق روایات با اجماع تقیید می خورد؛

صاحب جواهر می فرماید:

(و) وقت (صلاة الليل بعد انتصافه) بلا خلاف محقّق أجده؛ إذ ما حكي عن الهداية من أنّ وقتها الثلث الأخير محتمل لإرادة الأفضل، كالنصوص الموقّتة لها بالآخر أو السحر أو الثلث الباقي أو نحو ذلك، جمعاً بينها و بين ما دلّ على النصف بشهادة ما في بعضها من أنّ «أحبّ صلاة الليل إليهم عليهم السلام آخر الليل» و نحو ذلك، فلا بأس حينئذٍ بدعوى الإجماع في المقام، كما في المعتبر و المدارك و عن المرتضى و الخلاف و المنتهى و غيرها؛ لشهادة التتبّع له، و هو الحجّة[[3]](#footnote-3)

می فرماید اجماع داریم که وقت نماز شب از نیمه شب است و تتبّع هم شهادت می دهد که این اجماع که در کلمات ادّعا شده است مطابق واقع است.

#### جواب

این اجماع اگر ثابت هم شود و اجماع محصّل هم باشد، مدرکی است و اعتبار ندارد.

و بارها عرض کرده ایم که: یک اجماع در أصحاب أئمه داریم که اگر مدرکی هم باشد حجّت است زیرا اگر امام علیه السلام أصحاب خود را بر رأیی فقهی می دیدند و مخالف بودند حتماً مطرح می کردند که این رأی فقهی درست نیست هر چند این کار در برخی موارد لزومی ندارد مثل ما نحن فیه که اگر أصحاب أئمه نماز شب را از نیمه شب مشروع بدانند و قبل از آن مشروع ندانند، خلاف شرعی مرتکب نمی شوند و نهایت این است که نماز شب را قبل از نیمه شب نمی خواندند ولی به حساب احتمالات اگر أصحاب أئمه قائل می شدند که وقت نماز شب از نیمه شب است و امام علیه السلام ردع نمی کردند: منشأ می شد که انسان وثوق پیدا کند که رأی آن ها موافق رأی امام علیه السلام است. ولی ما نظر أصحاب أئمه را احراز نکردیم بلکه فقهای عصر غیبت گفته اند که وقت نماز شب از نیمه شب است و فتوای آن ها کاشف از رأی معصوم نیست مگر این که هیچ دلیلی جز ارتکاز متشرّعه بر آن وجود نداشته باشد که در این صورت ارتکاز متشرّعه کاشف از رأی معصوم خواهد شد، در حالی که ما نحن فیه این گونه نیست و ممکن است مستند به روایات و یا أصالة الإحتیاط (قدر متیقّن از وقت نماز شب، بعد از نیمه شب است) باشد.

### مناقشه دوم

مرسله صدوق: قَالَ (مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ) وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَقْتُ صَلَاةِ اللَّيْلِ مَا بَيْنَ نِصْفِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ.[[4]](#footnote-4)

گفته می شود این روایت صریح در این است که وقت نماز شب از نیمه شب است.

#### جواب

مرحوم خویی فرموده است مشکل تنها سند این روایت است.

ولی به نظر ما غیر از ضعف سند، اشکال دلالی هم دارد زیرا وقتی موثقه سماعه و صحیحه محمد بن عیسی می گوید أول شب نماز شب جایز است، این مرسله را بر وقت فضیلت حمل می کنیم.

و یا این که می گوییم واقعاً وقت نماز شب از نیمه شب است ولی تعجیل مشروع شده است؛ مثل این که وقت غسل جمعه روز جمعه است ولی در روز پنج شنبه فی الجمله مشروع است مثل این که خوف دارد در روز جمعه دسترسی به آب نداشته باشد و به این تعجیل «عجّله عن وقته» گفته می شود. در این جا هم بگوییم شارع وقت نماز شب را از نیمه شب قرار داده است ولی برای تسهیل أمر بر مکلّفین می گوید تعجیل از وقت و خواندن در ابتدای شب جایز است.

هر چند از نظر فنّی وقت چیزی جز زمان مشروعیّت نیست و اگر از ابتدای شب نماز شب مشروع باشد وقت نماز شب زودتر خواهد شد ولی از نظر تشریفاتی اشکالی ندارد که حکم أولی وقت این گونه باشد ولی برای تسهیل حکمی ثانوی آورده شود که تعجیل و تقدیم بر أول وقت حتّی در حال اختیار، اشکال ندارد.

لذا اگر سند هم تمام شود، دلالت این روایت هم قابل جواب است.

### مناقشه سوم

صحیحه زراره مقیّد این روایات است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع إِنِّي رَجُلٌ تَاجِرٌ أَخْتَلِفُ وَ أَتَّجِرُ- فَكَيْفَ لِي بِالزَّوَالِ وَ الْمُحَافَظَةِ عَلَى صَلَاةِ الزَّوَالِ- وَ كَمْ تُصَلَّى قَالَ تُصَلِّي ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ- وَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْعَصْرِ- فَهَذِهِ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَكْعَةً- وَ تُصَلِّي بَعْدَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ- وَ بَعْدَ مَا يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً- مِنْهَا الْوَتْرُ وَ مِنْهَا رَكْعَتَا الْفَجْرِ- فَتِلْكَ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ رَكْعَةً سِوَى الْفَرِيضَةِ- وَ إِنَّمَا هَذَا كُلُّهُ تَطَوُّعٌ وَ لَيْسَ بِمَفْرُوضٍ- إِنَّ تَارِكَ الْفَرِيضَةِ كَافِرٌ- وَ إِنَّ تَارِكَ هَذَا لَيْسَ بِكَافِرٍ وَ لَكِنَّهَا مَعْصِيَةٌ- لِأَنَّهُ يُسْتَحَبُّ إِذَا عَمِلَ الرَّجُلُ عَمَلًا مِنَ الْخَيْرِ أَنْ يَدُومَ عَلَيْهِ.[[5]](#footnote-5)

به امام علیه السلام عرض می کند که من تاجر هستم و زیاد سفر می کنم یعنی برای من التزام به همه مستحبّات سخت است و مقداری که باید به آن مواظبت کنم چه مقدار است که حضرت می فرماید علاوه بر نافله ظهر و عصر و مغرب، سیزده رکعت هم بعد از نیمه شب بخوان که دو رکعت آخر آن نافله فجر است.

گفته می شود این روایت نماز شب را به بعد از نیمه شب تقیید زد.

#### جواب

جواب این است که وقتی عرف این خطاب را کنار موثقه سماعه می گذارد این خطاب را بر مراتب فضیلت حمل می کند که نماز شب بعد از نیمه شب خیلی فضیلت دارد و منافاتی ندارد که نماز شب از ابتدای شب مشروع باشد و در خود موثقه سماعه هم گفت که أفضل این است که نماز شب بعد از انتصاف لیل خوانده شود.

### مناقشه چهارم

موثقه زراره است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّمَا عَلَى أَحَدِكُمْ إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ أَنْ يَقُومَ- فَيُصَلِّيَ صَلَاتَهُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً- ثُمَّ إِنْ شَاءَ جَلَسَ فَدَعَا وَ إِنْ شَاءَ نَامَ- وَ إِنْ شَاءَ ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ.[[6]](#footnote-6)

گفته می شود که امام علیه السلام قید زد و فرمود بعد از نیمه شب، به نماز شب سیزده رکعتی که دو رکعت آن نافله فجر است أمر استحبابی دارید که مفهوم آن این است که قبل از نیمه شب همچون أمری ندارید.

#### جواب

جواب این است که:

أولاً شاید نیمه شب شرط مشروعیت نماز شب سیزده رکعتی با هم و جملة واحدة باشد ولی دلالتی ندارد که أصل نماز شب بدون دو رکعت نافله فجر را نمی توان از أول شب خواند و تنها مفهوم آن این است که قبل از نیمه شب أمر به نماز سیزده رکعتی جملة واحدة ندارید.

ثانیاً این روایت ظهور ندارد که نماز شب از أول شب مشروع نیست بلکه روایت در مقام این است که نماز در شب آن مقداری که به عنوان مستحبّ مؤکّد بر هر مؤمن لازم است و به عنوان نوافل همراه با فرائض به آن ترغیب شده است این است که سیزده رکعت نماز بخوانید و بیش از نماز شب سیزده رکعتی که دو رکعت آن نافله فجر است اصرار نداریم در شب انجام دهید و شب زنده داری را از شما توقّع نداریم، و در مقام بیان این نیست که قبل از نیمه شب نخوانید و اذا انتصف اللیل نمی خواهد مفهوم گیری کند که قبل از نیمه شب مشروع نیست بلکه مراد این است که ما بعد از نیمه شب بیشتر از این از شما نمی خواهیم و انتظار نداریم که بلند شوید و ساعت ها عبادت کنید: «و بالأسحار هم یستغفرون» توهّم این بود که سحرها بلند شوند و ساعت ها عبادت کنند. و پیغمبر هم حدود نیمی از شب بیدار بود ولی ما از شما توقّع نداریم این گونه باشید. و پیغمبر، سیزده رکعت را با هم و به صورت جملة واحدة که آسان است، نمی خواند، بلکه چهار رکعت نماز شب می خواند و استراحت می کرد و دوباره بلند می شد و چهار رکعت می خواند و استراحت می کرد و در آخر شب هم شفع و وتر و نافله فجر را می خواند. و حضرت می فرماید ما از شما توقّع نداریم که جدا جدا نماز شب را بخوانید بلکه همین که نیمه شب بلند شوید و هم را با هم بخوانید کافی است و بیش از این از شما نمی خواهیم.

و این که قید «اذا انتصف اللیل» را ذکر کرد به خاطر این بود که متعارف این است که بعد از نیمه شب نماز شب می خوانند.

ثالثاً بر فرض جمله شرطیه مفهوم داشته باشد در مستحبّات، مطلق بر مقیّد حمل نمی شود: روایتی می گوید از ابتدای شب نماز شب جایز است و در این روایت می گوید بعد از نیمه شب بخوانید که جمع عرفی اقتضا می کند که «اذا انتصف اللیل» ترغیب به فرد أفضل باشد. به عبارت دیگر «اذا انتصف اللیل» ظهور در عدم مشروعیت قبل از نیمه شب پیدا می کند ولی نصّ داریم که قبل از نیمه شب نماز شب مشروع است لذا روایت حمل بر أفضلیّت می شود.

### مناقشه پنجم

به روایت محمد بن سنان استدلال می شود:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ لَا يَسْتَيْقِظُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ- حَتَّى يَمْضِيَ لِذَلِكَ الْعَشْرُ وَ الْخَمْسَ عَشْرَةَ- فَيُصَلِّي أَوَّلَ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ‌ يَقْضِي قَالَ لَا- بَلْ يَقْضِي أَحَبُّ إِلَيَّ- إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ ذَلِكَ خُلُقاً وَ كَانَ زُرَارَةُ يَقُولُ كَيْفَ تُقْضَى صَلَاةٌ لَمْ يَدْخُلْ وَقْتُهَا- إِنَّمَا وَقْتُهَا بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ.[[7]](#footnote-7)

سند روایت محمّد بن سنان است و ضعیف است. نکته: «تُقضی صلاةٌ یا تَقضی صلاةً»

سؤال می کند که آخر شب یعنی نیمه دوم شب، برای نماز شب بیدار نمی شود و ده پانزده روز به همین منوال می گذرد. شما بیشتر دوست دارید که أول شب نماز را بخواند یا قضای آن را به جا بیاورد. که حضرت می فرماید قضا کردن پیش من محبوب تر است و دوست ندارم که أخلاقش این شود: حال یا أخلاقش این شود که نماز شب را نخواند و قضایش را بخواند را دوست ندارم و بهتر این است که نیمه دوم شب بیدار شود. معنای دیگر این است که اگر حضرت بفرمایند که أول شب نماز بخوان باعث می شود این شخص به این کار عادت کند (و «ذلک» یعنی «الإتیان بها فی أول اللیل») لذا بهتر است که قضا کند.

زراره می گفت: چگونه می شود انسان نمازی را بخواند که وقت آن داخل نشده است.

و به این روایت هم استدلال می شود که نماز شب از ابتدای شب مشروع نیست.

لذا روایاتی که می گوید نماز شب از أول شب مشروع است یا باید بر غیر مختار مثل مسافر و پیرمرد، حمل شود یا این که تعارض و تساقط می کنند و به أدله أولیه رجوع می کنیم که می گوید وقت نماز شب از نیمه شب است: همان اطلاقاتی که قابل جمع عرفی است و اقتضا می کند که وقت نماز شب از نیمه شب باشد ولی چون نصّ نیست عام فوقانی قرار می گیرد:

توضیح این که:

**سه طائفه از روایات داریم:**

**طائفه اولی** ظاهر در این است که وقت نماز شب از نیمه شب است مثل صحیحه زراره «إنی رجل تاجر... و بعد ما ینتصف اللیل ثلاث عشر رکعة» که قابل حمل بر فرد أفضل است زیرا سؤال می کند که کیف تصلّی شما چگونه نماز می خوانید و حضرت می فرماید نماز نافله این است و من این گونه نماز می خوانم.

**طائفه ثانیه** موثقه سماعه و معتبره محمد بن عیسی است که نصّ در جواز نماز شب از أول شب است.

**طائفه ثالثه** روایت محمد بن مسلم است که می گوید نماز شب قبل از نیمه شب مشروع نیست.

طائفه ثانیه و ثالثه نصّ اند و بعد از تعارض و تساقط به طائفه أولی که عام فوقانی است رجوع می کنیم ظاهر در این است که وقت نماز شب از نیمه شب است و نصّ نیست که با طائفه ثانیه و ثالثه طرف معارضه باشد.

**روایتی دیگر شبیه این روایت محمد بن سنان می باشد:**

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ مِنْ صُلَحَائِهِمْ- شَكَا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ- وَ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ بِاللَّيْلِ فَيَغْلِبُنِي النَّوْمُ- حَتَّى أُصْبِحَ فَرُبَّمَا قَضَيْتُ صَلَاتِيَ الشَّهْرَ الْمُتَتَابِعَ- وَ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقْلِهِ فَقَالَ قُرَّةُ عَيْنٍ وَ اللَّهِ- قُرَّةُ عَيْنٍ وَ اللَّهِ وَ لَمْ يُرَخِّصْ فِي النَّوَافِلِ أَوَّلَ اللَّيْلِ- وَ قَالَ الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ.

یکی از صلحا از خواب که مانع از بیدار شدن برای نماز شب است به من شکایت کرد که باعث می شود دو ماه نماز شب قضا شود و دو ماه پشت سر هم نماز شب را قضا می کنم. که حضرت می فرماید: قُرَّةُ عَيْنٍ وَ اللَّهِ یعنی نماز شب باعث نورانی شدن چشم انسان است. و حضرت اجازه نداد که این شخص ابتدای شب نماز شب را بخواند. و حضرت فرمود این که شب نخواند و روز قضا کند بهتر از این است که ابتدای شب نماز شب بخواند.

(الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ: در مقام بیان این نیست که بگوید اگر می خواهی نماز شب را قضا کنی بگذار شب بعد قضا کن و روز قضای آن را انجام نده، ظاهراً نه فقهیاً فیما نعلم این را کسی گفته است و نه سیاق این را می رساند. البته این احتمال باید بیشتر بررسی شود).

گفته می شود که طبق روایت محمد بن سنان و صحیحه معاویة بن وهب، قضا از نماز شب در ابتدای شب أفضل است.

**خلاصه وجه خامس این است که:**

به دو بیان در ردّ قول به کفایت نماز شب از ابتدای شب برای مختار، استدلال می شود:

**بیان أول این که**: امام علیه السلام قضای نماز شب را از أدای آن در أول شب أفضل دانست و نمی شود قضا که فوت وقت است از أدای نماز که وقت حفظ می شود، أفضل باشد. لذا معلوم می شود نماز شب در ابتدای شب، موجب اخلال به وقت نماز شب می شود.

**بیان دوم این است که**: زراره گفت: « كَانَ زُرَارَةُ يَقُولُ كَيْفَ تُقْضَى صَلَاةٌ لَمْ يَدْخُلْ وَقْتُهَا»

بقیه مطالب را در جلسه بعد بیان می کنیم.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص252، أبواب مواقیت، باب44، ح9، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/252/بأس) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص253، أبواب مواقیت، باب44، ح14، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/253/فکتب) [↑](#footnote-ref-2)
3. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج4، ص143.](http://lib.eshia.ir/10088/4/143/بدعوی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص248، أبواب مواقیت، باب43، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/248/آخره) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص59، أبواب مواقیت، باب14، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/59/ینتصف) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص495، أبواب تعقیب، باب35، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/495/انتصف) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص256، أبواب مواقیت، باب45، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/256/نصف) [↑](#footnote-ref-7)